



مؤلف:
دکتر محمد جال

عربی دوازدهم

۵۵
حاج

۱۰۰

صفحه تحلیل متون
کتاب درسی

۳۰

صفحه آموزش قواعد و
پاسخ تمارین کتاب درسی

۱۰۰۰

پرسش امتحان نهایی
درس به درس

۸

آزمون درس به درس
با پاسخ

۶

آزمون نیم سال اول و
جامع با پاسخ

فرمول
یست
زود



9 786220 308904

تهران، میدان انقلاب
بیش بازارچه کتاب

www.gajmarket.com

مقدمه مؤلف

نثار روح پدر عزیزم و همه پدران
آسمانی که همیشه در قلب ما
جاویدان هستند.

با توجه به تغییرات اخیر در نظام ارزشیابی یعنی حذف دروس عمومی از کنکور، تأثیر قطعی نمرات امتحان نهایی در قبولی دانشگاه‌ها و نیز مفهومی شدن سؤالات، به دست آوردن نمره کامل (۲۰) بسیار دشوار می‌نماید. کتاب عربی «زودپز» به همین منظور با زبانی ساده و قابل فهم برای داوطلبان تألیف شده است تا با مطالعه آن، نمره مطلوب را در امتحان نهایی به دست آورید.

• ویژگی‌های کتاب حاضر عبارتند از:

- ۱ ترجمه و شرح آیات و عبارات «متن درس، تمرین‌های متن درس، اِعلَمُوا، اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ و تمرین» که هر یک شامل بخش‌های زیر است:
 - الف ترجمه کامل عبارت
 - ب ترجمه کلمات (شامل ترجمه لفظ به لفظ کلمات)
 - ج واژه‌شناسی (شامل مترادف و متضاد، جمع مکسر، اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مکان، اسم مبالغه و کلمات مشابه)
 - د نقش کلمات (محل اعرابی کلمات)
- ۲ آموزش قواعد هر درس
- ۳ حل تمرین‌های هر درس
- ۴ نمونه سؤالات تفکیکی امتحانات نهایی درس به درس شامل:

الف ترجمه کلمات ب متضاد و مترادف ج کلمه متفاوت در معنی د مفرد یا جمع کلمات ه توضیح کلمات و ترجمه آیات و احادیث و عبارت‌ها به فارسی ز انتخاب صحیح در ترجمه ح کامل کردن ترجمه فارسی در جای خالی ط ترجمه فعل‌ها ی انتخاب فعل مناسب در جای خالی ک پیدا کردن انواع اسم در جمله‌ها (اسم فاعل - اسم مفعول - اسم مبالغه - اسم تفضیل - اسم مکان) ل ترجمه کلماتی که زیرشان خط کشیده شده است م نقش کلمات (محل اعرابی) ن مشخص کردن گزینه صحیح در اعراب و تحلیل صرفی س مشخص کردن کلمه صحیح در جای خالی ع درک مطلب

۵ پاسخ تشریحی نمونه سؤالات تفکیکی امتحانات نهایی درس به درس

۶ آزمون‌های تألیفی درس به درس و جامع نیم‌سال اول و آزمون‌های نهایی چند سال اخیر

• نحوه استفاده از کتاب حاضر

- توصیه ما این است که ابتدا «قواعد» هر درس همراه با نمونه مثال و بعد از آن ترجمه عبارات متن درس و ترجمه سایر بخش‌های کتاب درسی با دقت مطالعه شود تا بتوانید به خوبی «عبارت‌های عربی» را که مهم‌ترین بخش کتاب درسی است، ترجمه کنید. البته بهتر است در هر بخش از ترجمه نیز ابتدا بخش ترجمه کلمات، واژه‌شناسی و فن ترجمه آن را مطالعه کنید، سپس ترجمه کامل و نقش کلمات را بخوانید.
- در مرحله بعد، به تمرین‌های درس به درس از امتحانات نهایی و آزمون‌های تألیفی (۲۰ نمره‌ای) که در پایان هر درس طراحی شده است، با دقت پاسخ دهید.
- در پایان از همه دوستان و عزیزانی که بی‌منت مرا در این امر یاری کردند تا این کتاب با بهترین محتوا و کیفیت به دستتان برسد، صمیمانه سپاس‌گزارم:
- سرکار خانم زهرا فارسی که با دقت، نکته‌سنجی و دانش بالای خود در بازبینی علمی کتاب زحمات شایان توجهی را متحمل شدند. آقایان: سعید ملکوتی، عباس روزده، سیدعزت عمید، دکتر غلامحسین کسرائی، دکتر حبیب تقوایی، علی شعاعی، اسفندیار زهره‌وند، محمد جدیدی.
- خانم‌ها: فاطمه سادات شیرنگی، دکتر طیبه عباسی، جواهر فرحات، مریم اسدیان، دکتر فائقه نکیسا، شکوفه سلطانی

فهرست

۵

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: الدِّينُ وَالتَّوَكُّلُ

۸۱

الدَّرْسُ الثَّانِي: مَكَّةُ الْمُكَرَّمَةِ وَ الْمَدِينَةُ الْمُنَوَّرَةُ

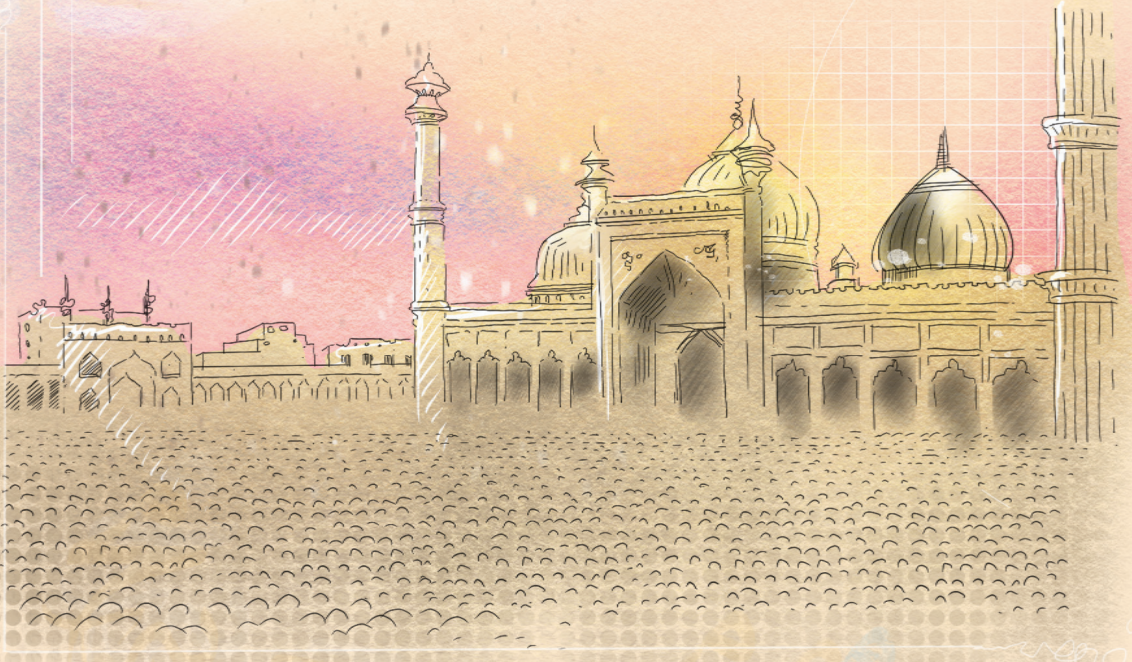
۱۵۹

الدَّرْسُ الثَّالِثُ: الْكُتُبُ طَعَامُ الْفِكْرِ

۲۳۳

الدَّرْسُ الرَّابِعُ: الْفَرَزْدَقُ

الْأَوَّلُ الدَّرْسُ



﴿أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً﴾
بایک تپ رستی به دین روی آور.

کارگاه ترجمه و نقش کلمات

ترجمه و شرح آیات و عبارات «متن درس»

یونس: ۱۰۵

﴿أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾

ترجمه کامل: با یکتاپرستی به دین روی آورا

ترجمه کلمات

أَقِمَّ وَجْهَكَ: روی بیاور (اصطلاح) (ماضی: «أَقَامَ وَجْهَهُ: روی آورد» / مضارع: «يَقِيمُ وَجْهَهُ: روی می آورد»)
الْحَنِيفُ: یکتاپرست [حَنِيفًا: با یکتاپرستی، معادل قید حالت در زبان فارسی و «حال» در زبان عربی است که در درس دوم خواهید خواند.]

واژه‌شناسی

مترادف: أَقِمَّ وَجْهَكَ = أَقْبَلَ عَلَى / الْحَنِيفُ = الْمُوَحِّدُ

متضاد: الْحَنِيفُ ≠ الْمُشْرِكُ، الْكَافِرُ (کافر)

مفرد و جمع: الْوَجْهَ ← جمع مكشَر ← الدِّينَ / الْوَجْهَ ← جمع مكشَر ← الأديان

نقش کلمات

أَقِمَّ: فعل و فاعل / وَجْهَهُ: مفعول / لَدِّ: مضاف‌الیه / لِلدِّينِ: جار و مجرور (ل: حرف جر؛ الدِّين: مجرور به حرف جر) / حَنِيفًا: حال (معادل قید حالت در زبان فارسی)

﴿التَّائِبِينَ فِطْرِي فِي الْإِنْسَانِ. وَالتَّارِبِخُ يَقُولُ لَنَا:﴾

ترجمه کامل: دینداری در انسان فطری است و تاریخ به ما می‌گوید:

ترجمه کلمات

التَّائِبِينَ: دینداری، دیانت، متدین بودن / **فِطْرِي:** ذاتی، سرشتی، فطری / **يَقُولُ:** می‌گوید

واژه‌شناسی

مترادف: التَّائِبِينَ = التَّشَرُّعُ / التَّائِبِينَ: مصدر از باب تَفَعَّل
متضاد: التَّائِبِينَ ≠ الْكَفَرُ (بی‌دینی) / يَقُولُ ≠ يَسْكُتُ (سکوت می‌کند)

نقش کلمات

التَّائِبِينَ: مبتدا / **فِطْرِي:** خبر / **فِي الْإِنْسَانِ:** جار و مجرور / **التَّارِبِخُ:** مبتدا / **يَقُولُ:** فعل و فاعل، خبر برای «التَّارِبِخُ» / **لَنَا:** جار و مجرور

۱. دانش‌آموز عزیز با توجه به اینکه شما با تمام نقش‌های کلمه‌ها در عربی هفتم تا دوازدهم آشنا نمی‌شوید، ما تلاش کردیم تا حد امکان تنها به ذکر نقش‌هایی که با آن آشنایی دارید، بپردازیم.

لا شَعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَكَانَ لَهُ دِينٌ وَطَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.

ترجمه کامل: هیچ ملّتی از ملّت‌های زمین نیست؛ مگر این‌که آیین و روشی برای پرستش (عبادت کردن) داشته باشد.

نقش کلمات

لا: لای نفی جنس / مِنْ شُعُوبٍ: جار و مجرور / الْأَرْضِ: مضاف‌الیه /
کان: فعل ناقص / لَهُ: جار و مجرور / لِلْعِبَادَةِ: جار و مجرور

فنون ترجمه

حرف جر «لِ» یا «عِنْدَ» + اسم یا ضمیر (در آغاز جمله اسمیه) = داشتن
مثال: لَهُ دین، عِنْدَهُ دین، دینی دارد
فعل ماضی «کان» + «لِ» یا «عِنْدَ» + اسم یا ضمیر = داشت
مثال: کان لَهُ دین، کان عِنْدَهُ دین، دینی داشت

ترجمه کلمات

لا شَعْبَ: هیچ ملّتی ... نیست، اصلاً ملّتی ... نیست (وجود ندارد) [«هیچ + اسم نکره ... نیست»] / مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ: از ملّت‌های زمین / إِلَّا: جز اینکه، مگر اینکه / کان لَهُ دینٌ وَ طَرِيقَةٌ: دینی و روشی ... داشت

واژه‌شناسی

مترادف: الطَّرِيقُ = السَّبِيلُ = الصَّرَاطُ = النَّهْجُ
مفرد و جمع: الشَّعْبُ جمع مکشّر ← الشُّعُوبُ / الطَّرِيقُ جمع مکشّر ← الطَّرِيقُ
کلمات مشابه: الشَّعْبُ: ملّت، العُشْبُ: گیاه

فَالْآثَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي اكْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ، وَالْحَضَارَاتُ الَّتِي عَرَفَهَا مِنْ خِلَالِ الْكِتَابَاتِ وَ النَّقُوشِ وَ

الرُّسُومِ وَ التَّمَاثِيلِ، تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالْدِّينِ وَ تَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ فِطْرِيٌّ فِي وُجُودِهِ؛

ترجمه کامل: آثار قدیمی (کهنی) که انسان آن‌ها را کشف کرده و تمدن‌هایی که آن‌ها را از طریق نوشته‌ها، نگاره‌ها، نقاشی‌ها و تندیس‌ها شناخته است، بر توجّه انسان به دین تأکید می‌کند و بر اینکه [این دینداری] در وجود او فطری است، دلالت می‌کند.

مفرد ← الحضارة / الكتابات ← المكتشف / النقوش ← النقش / الرسوم
مفرد ← الرسم / التماثيل ← التمثال

نقش کلمات

الْآثَارُ: مبتدا / الْقَدِيمَةُ: صفت / اكْتَشَفَ: فعل / ها: مفعول / الْإِنْسَانُ: فاعل / عَرَفَ: فعل و فاعل / ها: مفعول / مِنْ خِلَالِ: جار و مجرور /
الْكِتَابَاتِ: مضاف‌الیه / تَوَكَّدَ: فعل و فاعل، خبر برای «الْآثَارُ» / اهْتِمَامَ: مفعول / الْإِنْسَانِ: مضاف‌الیه / بِالْدِّينِ: جار و مجرور / تَدُلُّ: فعل و فاعل /
أَنَّ: حرف مشبّه بالفعل / فِي وُجُودِهِ: جار و مجرور / ه: مضاف‌الیه

فنون ترجمه

هرگاه قبل از اسم موصول «الَّذِي، الَّتِي، الَّذِينَ و ...» اسمی دارای «أَل» باشد و اسم موصول معنای «که» بدهد، نقش آن صفت است و اسم معرفه ما قبل آن با «ی» ترجمه می‌شود:
مثال: الْقَدِيمَةُ الَّتِي: کهنی که / مثال: الْحَضَارَاتُ الَّتِي: تمدن‌هایی که

ترجمه کلمات

الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي: آثار قدیمی را که / اكْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ: انسان آن‌ها را کشف کرد (کرده است) / الْحَضَارَاتُ الَّتِي: تمدن‌هایی که / عَرَفَ: شناخت / مِنْ خِلَالِ: از میان / الْكِتَابَاتِ: دست‌خط‌ها، دست‌نوشته‌ها / النَّقُوشِ: کنده‌کاری‌ها، نگاره‌ها / الرُّسُومِ: نقاشی‌ها / التَّمَاثِيلِ: مجسمه‌ها، تندیس‌ها / تَوَكَّدَ: تأکید می‌کند / الاهْتِمَامَ: توجّه / تَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ: راهنمایی می‌کند، (دلالت می‌کند) بر اینکه آن

واژه‌شناسی

مترادف: اكْتَشَفَ = وَجَدَ / عَرَفَ = عَلِمَ / الاهْتِمَامَ = العناية / تَدُلُّ = تَهْدِي = تَوْشِدُ
متضاد: الْقَدِيمَةُ ≠ الْحَدِيثَةُ، الْجَدِيدَةُ (جدید، نو) / عَرَفَ ≠ جَهَلَ (نشناخت، نادان شد) / تَدُلُّ ≠ تَضَلَّ (گمراه می‌کند)
مفرد و جمع: الْآثَارُ ← الأثر / القديم ← جمع مکشّر ← القَدَماءُ / الحضارات

وَلَكِنَّ عِبَادَتِهِ وَشَعَائِرَهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً؛ مِثْلُ تَعَدُّدِ الْأَلِهَةِ وَتَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاهَا وَ

تَجَنُّبِ شَرِّهَا.

ترجمه کامل: اما عبادت‌ها و مراسم او خرافی بود؛ مانند چند خدایی (تعدد خدایان) و پیشکش کردن قربانی‌ها برای آن‌ها برای کسب خشنودی آنها و دوری جستن از بدی آن‌ها.

ترجمه کلمات

مفرد و جمع: عبادات ← مفرد / عبادة / الشّعائر ← مفرد / الشعيرة / المِثْل جمع مکسر ← الأمثال / الالهة ← مفرد / الإله / القرابين ← مفرد / القربان / الشر جمع مکسر ← الشرور
کلمات مشابه: أشعار: شعرها، شعائر: مراسم

نقش کلمات

لَكِنَّ: حرف مشبّه بالفعل / ه: مضاف الیه / كَانَتْ: فعل ناقص / تَعَدَّد: مضاف الیه / الْأَلِهَةِ: مضاف الیه / الْقَرَابِين: مضاف الیه / لَهَا: جار و مجرور / لِكَسْبِ: جار و مجرور / رِضَا و هَا: هر دو مضاف الیه / «رِضَا» و «هَا»: هر دو مضاف الیه

واژه‌شناسی

مترادف: التَّقْدِيم = الإِعْطَاء / الكَسْب = التَّيْل = الحُصُول عَلَى / التَّجَنُّب = الإِبْتِعَاد عَنْ / الإِجْتِنَاب / الشَّر = السَّيِّئَةُ = الشَّوْء / مُتَضَاد: التَّقْدِيم ≠ الأَخْذ، الإِسْتِلاَم (گرفتن) / الكَسْب ≠ الْفَقْد، الإِضَاعَةُ (از دست دادن) / التَّجَنُّب ≠ التَّقَرُّب (نزدیک شدن) / الشَّر ≠ الْخَيْر (خوبی)

وَازْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرَّ الْعُصُورِ.

ترجمه کامل: و در گذر زمان، این خرافات در دین‌های مردم افزایش یافت.

ترجمه کلمات

مفرد و جمع: الخُرَافَات ← مفرد / الخُرَافَةُ / أَدْيَان ← مفرد / دین / الْعُصُور ← مفرد / العَصْر
کلمات مشابه: المَرَّ: گذر (گذشتن)، المَرَّ: تلخ، المَرَّة: بار (دفعه)

نقش کلمات

إِزْدَادَتْ: فعل / هَذِهِ: هَذِهِ: فاعل / فِي أَدْيَانِ: جار و مجرور / النَّاسِ: مضاف الیه / عَلَى مَرَّ: جار و مجرور / الْعُصُورِ: مضاف الیه

واژه‌شناسی

مترادف: إِزْدَادَتْ = كَثُرَتْ / مُتَضَاد: إِزْدَادَتْ ≠ قَلَّتْ، نَقَصَتْ (کم شد) / الْخُرَافَات ≠ الْحَقَائِق (حقیقت‌ها، واقعیت‌ها)

وَلَكِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَشْرِكِ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ؛ فَقَدْ قَالَ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ:

ترجمه کامل: ولی خدا - پربرکت و بلندمرتبه [بادا نام او] - مردم را بر همین حالت رها نساخت؛ پس در کتاب باکرامتش فرموده است:

نقش کلمات

لَكِنَّ: حرف مشبیهة بالفعل / لَمْ يَشْرِكْ: فعل و فاعل / النَّاسُ: مفعول / عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ: جار و مجرور / قَالَ: فعل و فاعل / فِي كِتَابِهِ: جار و مجرور / ه: مضاف الیه / الْكَرِيمِ: صفت

ترجمه کلمات

لَكِنَّ: ولی / لَمْ يَشْرِكْ: رها نکرد، رها نکرده است / النَّاسُ: مردم را / عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ: بر این حالت / قَدْ قَالَ: گفته است / فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ: در کتاب ارزشمندش

فنون ترجمه

حرف «لَمْ» + فعل مضارع = ماضی ساده منفی یا نقلی منفی
مثال: لَمْ يَشْرِكْ ◀ رها نکرد، رها نکرده است
حرف «قَدْ» + فعل ماضی = ماضی نقلی
مثال: قَدْ قَالَ ◀ گفته است، فرموده است

واژه‌شناسی

مترادف: لَمْ يَشْرِكْ = لَمْ يَهْجُر
متضاد: يَشْرِكْ ≠ يَهْتُمُّ بـ... (توجه می‌کند)
مفرد و جمع: الْكِتَابُ ← جمع مکسر الْكُتُبُ

الْقِيَامَةُ: ۳۶

﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُشْرِكَ سُدًى﴾

ترجمه کامل: آیا انسان می‌پندارد که بیهوده رها شود؟ (جمله استفهام انکاری است)

نقش کلمات

يَحْسَبُ: فعل / الْإِنْسَانُ: فاعل / أَنْ يُشْرِكَ: فعل مجهول / سُدًى: حال (قید حالت در زبان فارسی)

ترجمه کلمات

أَيَا / يَحْسَبُ: می‌پندارد / أَنْ يُشْرِكَ: که رها شود (فعل مجهول) / سُدًى: بیهوده و پوچ

فنون ترجمه

حرف ناصبه «أَنْ» (به معنی «که») + فعل مضارع = مضارع التزامی
مثال: أَنْ يُشْرِكَ ◀ که رها شود

واژه‌شناسی

مترادف: يَحْسَبُ = يَظُنُّ = يَتَصَوَّرُ / السُّدَى = الْعَبَثُ، الباطل
متضاد: يَحْسَبُ ≠ يَتَأَكَّدُ، يَطْمَئِنُّ (اطمینان دارد) / السُّدَى ≠ الْمُفِيد (مفید)

لِذَلِكَ أَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَالَّذِينَ الْحَقَّ.

ترجمه کامل: به همین خاطر پیامبران را به سوی آن‌ها فرستاد تا راه راست و دین حق را آشکار کنند.

لِيبَيِّنُوا: تا آشکار کنند / الصِّرَاطَ: راه / الْمُسْتَقِيمَ: راست

ترجمه کلمات

لِذَلِكَ: بنابراین، از این رو / أَرْسَلَ: فرستاد / إِلَيْهِمُ: به سوی آن‌ها /

نقش کلمات

لِذَلِكَ: جار و مجرور / أُرْسِلَ: فعل و فاعل / إِلَيْهِمْ: جار و مجرور /
لِيُبَيِّنُوا: فعل و فاعل / الصَّرَاطُ: مفعول / المُسْتَقِيم: صفت /
الْحَقُّ: صفت

فنون ترجمه

حرف ناصبه «لِ» + فعل مضارع = مضارع التزامی

مثال: يُبَيِّنُونَ ◀ آشکار می کنند ◀ لِيُبَيِّنُوا ▶ تا آشکار کنند

واژه شناسی

مترادف: يُبَيِّن = يُظْهِرُ / أُرْسِلَ = بَعَثَ (فرستاد)
متضاد: يُبَيِّنُ ≠ يُخْفِي، يَسْتُرُ، يَكْتُمُ (پنهان می کند)
مفرد و جمع: الأنبياء ← النَّبِيُّ
اسم فاعل: المُسْتَقِيم (از باب استفعال)

وَقَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَصِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ.

ترجمه کامل: و قرآن کریم درباره روش پیامبران (ع) و درگیری آن‌ها با مردمان کافرشان با ما سخن گفته است.

نقش کلمات

حَدَّثَ: فعل / نا: مفعول / القرآن: فاعل / الْكَرِيم: صفت / عَنْ
سيرة: جار و مجرور / الْأَنْبِيَاء: مضاف الیه / صِرَاع: معطوف /
هُمْ: مضاف الیه / أَقْوَام: مضاف الیه / هُمْ: مضاف الیه /
الْكَافِرِينَ: صفت

فنون ترجمه

اسم + ضمیر متصل (ه، هما، هم و ...) + اسم دارای «أل» (صفت) =
(مضاف + مضاف الیه + صفت)

این نوع ترکیب را «اضافی - وصفی» گویند که بین موصوف و صفت، مضاف الیه می آید و در ترجمه زبان فارسی، اول «صفت»، بعد «مضاف الیه» ترجمه می شود. در «أقوامهم» الْكَافِرِينَ» به جای اینکه گفته شود «گروه هایشان کافر» گفته می شود: «گروه های کافرشان».

نکته: صفت در زبان فارسی مفرد ترجمه می شود هر چند که در زبان عربی جمع باشد. در اینجا «کافرین» با اینکه جمع است به صورت مفرد ترجمه شد؛ زیرا نقش آن صفت است.

ترجمه کلمات

قَدْ حَدَّثَنَا: با ما سخن گفته است / عَنْ سيرة الْأَنْبِيَاء: درباره سرگذشت (روش و کردار) پیامبران / صِرَاعِهِمْ: کشمکش آن‌ها / مَعَ أَقْوَامِهِمْ الْكَافِرِينَ: با مردمان کافرشان

واژه شناسی

مترادف: قَدْ حَدَّثَنَا = قَدْ تَكَلَّمَ مَعَنَا / السيرة = السُّلُوك / الصَّرَاع = النَّزاع / الأنبياء = الرُّسُل
متضاد: قَدْ حَدَّثَ ≠ قَدْ سَكَتَ، قَدْ صَمَتَ (ساکت شد، سکوت کرد) /
الصَّرَاع ≠ السُّلْم، السَّلام (صلح، آشتی)
مفرد و جمع: الأقوام ← الْقَوْم
اسم فاعل: الْكَافِر
کلمات مشابه: حَدَّثَ: سخن گفت، أَحَدَّثَ: به وجود آورد / الصَّرَاع: درگیری (نزاع)، الصَّداع: سردرد

وَلَنَذْكُرْكُمْ مَثَلًا لِّإِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ الَّذِي حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

ترجمه کامل: باید یاد کنیم به عنوان مثال، [داستان] ابراهیم خلیل (ع) را که تلاش کرد قومش را از پرستش بت‌ها نجات دهد.

نقش کلمات

لَنَذْكُرْ: فعل و فاعل / **إِبْرَاهِيمَ:** مفعول برای فعل «نَذْكُرْ» /
الْخَلِيل: صفت برای ابراهیم (إِبْرَاهِيمَ): معرفه به «عَلَّمَ» / **الْخَلِيل:**
 معرفه به «آل» / **حَاوَلَ:** فعل و فاعل / **أَنْ يُنْقِذَ:** فعل و فاعل /
قَوْمَ: مفعول / **ه:** مضاف‌الیه / **مِنْ عِبَادَةِ:** جار و مجرور /
الْأَصْنَام: مضاف‌الیه

ترجمه کلمات

وَلَنَذْكُرْ: باید یاد کنیم / **مَثَلًا:** مثالی را، به عنوان مثال /
إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ الَّذِي: ابراهیم خلیل را که / **حَاوَلَ:** تلاش کرد /
أَنْ يُنْقِذَ: که نجات دهد / **قَوْمَهُ:** قومش را / **مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ:**
 از عبادت بت‌ها

واژه‌شناسی

مترادف: الْخَلِيل = الصَّدِيق = الْحَبِيب = الصَّاحِب / حَاوَلَ = سَعَى =
 اجْتَهَدَ = جَدَّ
متضاد: نَذْكُرْ ≠ نَنْسَى (فراموش می‌کنیم) / الْخَلِيل ≠ الْعَدُوّ، العادي
 (دشمن) / حَاوَلَ ≠ وَهَنَ (سست شد، ترک و رها کرد)
مفرد و جمع: الْأَصْنَام ← مَفْرُودِ الصَّنَمِ
کلمات مشابه: الْعِبَادَةُ: عبادت، الْعِبَاد: بندگان

فَفِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَحِيدًا،

ترجمه کامل: و در یکی از عیدها، هنگامی که قوم او از شهرشان خارج شدند، ابراهیم (ع) تنها ماند

نقش کلمات

فِي أَحَدِ: جار و مجرور / **الْأَعْيَادِ:** مضاف‌الیه / **لَمَّا:** ظرف (قید زمان) /
خَرَجَ: فعل / **قَوْمَ:** فاعل / **ه:** مضاف‌الیه / **مِنْ مَدِينَتِهِ:** جار و مجرور /
ه: مضاف‌الیه / **بَقِيَ:** فعل / **إِبْرَاهِيمَ:** فاعل / **وَحِيدًا:** حال (قید حالت
 در زبان فارسی)

ترجمه کلمات

فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ: در یکی از عیدها / **لَمَّا:** زمانی که، هنگامی که /
خَرَجَ قَوْمَهُ: قومش خارج شدند / **مِنْ مَدِينَتِهِمْ:** از شهرشان /
بَقِيَ: باقی ماند / **وَحِيدًا:** تنها

واژه‌شناسی

مترادف: بَقِيَ = اسْتَقَرَّ / لَمَّا = عِنْدَمَا
متضاد: بَقِيَ ≠ ذَهَبَ (رفت) / خَرَجَ ≠ دَخَلَ (داخل شد)
مفرد و جمع: الْأَعْيَاد ← مَفْرُودِ الْعِيدِ
کلمات مشابه: خَرَجَ: خارج شد، تَخَرَّجَ: فارغ‌التحصیل شد

فَحَمَلَ فَأَسَاءَ، وَكَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ، ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِهِ وَتَرَكَ الْمَعْبَدَ.

ترجمه کامل: و تبری را برداشت و همه بت ها را به جز بت بزرگ در معبد، شکست. سپس تبر را روی شانه (دوش) او آویزان کرد و معبد را ترک نمود.

اسم مکان: الْمَعْبَد

کلمات مشابه: حَمَلَ: حمل کرد (برد)، حَمَلَ: تحمیل کرد / الْفَأْس: تبر، الرَّأْس: سر / عَلَّقَ: آویخت، لَعَقَ: لیسید

ترجمه کلمات

فَحَمَلَ فَأَسَاءَ: پس تبری را حمل کرد (برداشت) / كَسَّرَ: شکست / جَمِيعَ: همه / الْأَصْنَامَ: بت ها / الْمَعْبَدِ: پرستشگاه (عبادتگاه) / إِلَّا: به جز / الصَّنَمَ الْكَبِيرَ: بت بزرگ / ثُمَّ: سپس / عَلَّقَ: آویخت / عَلَى كَتِفِهِ: بر شانه اش / تَرَكَ: رها کرد

واژه شناسی

مترادف: تَرَكَ = هَجَرَ / كَبِير = عَظِيم

متضاد: كَبِير ≠ صَغِير (کوچک)

مفرد و جمع: الْفَأْس جمع مكسر ← الْفُؤُوس / الْمَعْبَد جمع مكسر ← الْمَعَابِد / الْكَبِير جمع مكسر ← الْكِبَار / كَتِف جمع مكسر ← أَكْتَاف

نقش کلمات

حَمَلَ: فعل و فاعل / فَأَسَاءَ: مفعول / كَسَّرَ: فعل و فاعل / جَمِيعَ: مفعول / الْأَصْنَامَ: مضاف الیه / فِي الْمَعْبَدِ: جار و مجرور / إِلَّا: ادات استثناء / الصَّنَمَ الْكَبِيرَ: مستثنی (با اسلوب استثناء در درس سوم آشنایی شویم) / الْكَبِيرَ: صفت / عَلَّقَ: فعل و فاعل / الْفَأْسَ: مفعول / عَلَى كَتِفِ: جار و مجرور / ه: مضاف الیه / تَرَكَ: فعل و فاعل / الْمَعْبَدِ: مفعول

وَلَمَّا رَجَعَ النَّاسُ، شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكَسَّرَةً،

ترجمه کامل: و وقتی که مردم برگشتند، بت هایشان را شکسته دیدند.

متضاد: رَجَعَ ≠ ذَهَبَ، رَحَلَ إِلَى (رفت)

اسم مفعول: مُكَسَّرَةً (از باب تفعیل)

ترجمه کلمات

لَمَّا: زمانی که، هنگامی که / رَجَعَ: برگشت / النَّاسُ: مردم / شَاهَدُوا: دیدند، مشاهده کردند / أَصْنَامَهُمْ: بت هایشان را / مُكَسَّرَةً: شکسته شده

واژه شناسی

مترادف: رَجَعَ = عَادَ / شَاهَدَ = رَأَى = زَارَ = نَظَرَ

وَوَظَّنُوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُوَ الْفَاعِلُ، فَأَحْضَرُوهُ لِلْمُحَاكَمَةِ وَسَلَّوْهُ:

ترجمه کامل: و گمان کردند که ابراهیم (ع) همان انجام دهنده [این کار] است، پس او را برای محاکمه حاضر کردند و از او پرسیدند:

نقش کلمات

وَوَظَّنُوا: فعل و فاعل / أَنَّ: حرف مشبهه بالفعل / أَحْضَرُوهُ: فعل و فاعل / هُوَ الْفَاعِلُ: مفعول / لِلْمُحَاكَمَةِ: جار و مجرور / سَأَلُوهُ: فعل و فاعل / ه: مفعول

نقش کلمات

فعل «سَأَلَ - يَسْأَلُ» متعدی است که مفعول آن با حرف اضافه «از» ترجمه می شود:
مثال: سَأَلُوهُ ◀ از او پرسیدند

ترجمه کلمات

وَوَظَّنُوا: گمان کردند / أَنَّ: که / الْفَاعِلُ: انجام دهنده / فَأَحْضَرُوهُ: او را حاضر کردند (آوردند) / لِلْمُحَاكَمَةِ: برای محاکمه / سَأَلُوهُ: از او پرسیدند

واژه شناسی

مترادف: أَحْضَرَ = جَلَبَ

متضاد: وَظَّنُوا ≠ تَأَكَّدُوا، إِطْمَأَنَّنُوا (مطمئن شد) / أَحْضَرَ ≠ أَرْسَلَ (فرستاد)

اسم فاعل: الْفَاعِلُ

الأنبياء: ۶۲

﴿... أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ﴾

ترجمه کامل: آیا تو این [کار] را با خدایانمان انجام دادی، ای ابراهیم؟

متضاد: فَعَلْتُ ≠ إِمْتَنَعْتُ (خودداری کردی)

ترجمه کلمات

أ: آیا / أَنْتَ فَعَلْتَ: تو انجام دادی / هَذَا: این را / بِآلِهَتِنَا: با خدایان ما

نقش کلمات

أَنْتَ: مبتدا / فَعَلْتَ: فعل و فاعل، خبر برای «أَنْتَ» / هَذَا: مفعول / بِآلِهَةٍ: جار و مجرور / نا: مضاف الیه

واژه‌شناسی

مترادف: فَعَلْتُ = عَمِلْتُ

﴿فَأَجَابَهُمْ: لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟! إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ﴾

ترجمه کامل: پس به آن‌ها پاسخ داد: چرا از من می‌پرسید؟! از بت بزرگ سؤال کنید.

نقش کلمات

أَجَابَ: فعل و فاعل / هُمْ: مفعول / لِمَ: جار و مجرور / تَسْأَلُونَنِي: فعل و فاعل («ن» دومی وقایه، وقتی فعلی به ضمیر «ی» متصل می‌شود، «ن» وقایه میان فعل و ضمیر واقع می‌شود.) / ي: مفعول / إِسْأَلُوا: فعل و فاعل / الصَّنَمَ: مفعول / الْكَبِيرَ: صفت

ترجمه کلمات

أَجَابَهُمْ: به آن‌ها پاسخ داد / لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟: چرا از من می‌پرسید؟ / إِسْأَلُوا: بپرسید / الصَّنَمَ الْكَبِيرَ: از بت بزرگ

واژه‌شناسی

متضاد: أَجَابَ ≠ سَأَلَ (سؤال کرد)

﴿بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ؛

ترجمه کامل: مردم شروع به پیچ‌پچ کردن کردند: «قطعاً بت سخن نمی‌گوید؛

نقش کلمات

يَتَهَامَسُونَ: فعل و فاعل / إِنَّ: حرف مشبّه بالفعل / لَا يَتَكَلَّمُ: فعل و فاعل

ترجمه کلمات

بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: قوم شروع به پیچ‌پچ کردن کردند / إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ: بی‌شک بت سخن نمی‌گوید

فنون ترجمه

فعل مضارع بعد از «بَدَأَ» (که جزء افعال شروع است) معمولاً به شکل مصدر ترجمه می‌شود.

واژه‌شناسی

مترادف: يَتَكَلَّمُ = يُحَدِّثُ، يَكَلِّمُ

متضاد: بَدَأَ ≠ خَتَمَ (خاتمه داد، تمام کرد)

مثال: بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ ◀ مردم شروع به پیچ‌پچ کردن کردند.

آموزش قواعد

حروف مشبّه بالفعل و «لا» ی نفی جنس

مثال ﴿... قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ...﴾

گفت: بی شک خداوند آزمایش‌کننده شما به وسیله رودخانه‌ای است.

توجه اگر «إِنَّ» بعد از فعل طلب (امر و نهی) بیاید، معمولاً معنای «زیرا» می‌دهد.

مثال ﴿وَلَا يَخْزِيكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا...﴾

گفتارشان تو را نباید ناراحت کند؛ زیرا عزّت (ارجمندی)، همه از آن خداست.

۲ أَنْ

● به معنای «که» است و دو جمله را به هم پیوند می‌دهد که همان حرف ربط زبان فارسی است و غالباً در وسط جمله می‌آید.

مثال ﴿... قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

گفت: می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.

مثال و أَنْتَ تَعْلَمِينَ أَنَّ رَجُلِي تُؤْلِمُنِي. تو می‌دانی که پایم درد می‌کند.

مثال و لَا أَطْنُ أَنَّ هُنَاكَ كُتُبًا مُكْرَرَةً.

و گمان نمی‌کنم که کتاب‌های تکراری وجود دارد (وجود داشته باشد).

توجه معمولاً «لِأَنَّ» به معنای «زیرا، برای اینکه» است و برای بیان علّت به کار می‌رود.

مثال لِمَاذَا مَا سَافَرْتُ بِالطَّائِرَةِ؟ لِأَنَّ بِطَاقَةَ الطَّائِرَةِ غَالِيَةً.

چرا با هواپیما سفر نکردی؟ زیرا بلیت هواپیما گران است.

مثال لِمَاذَا يَبْكِي الطِّفْلُ؟ لِأَنَّهُ جَائِعٌ.

کودک برای چه گریه می‌کند؟ زیرا او گرسنه است.

۳ كَأَنَّ

● به معنای «گویی» و «مانند» است که «گویی» برای «گمان» و

تصوّر» و «مانند» برای «تشبیه» به کار می‌رود.

مثال كَأَنَّهُمُ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ﴿آنان مانند یاقوت و مرجان‌اند.

حروف مشبّه بالفعل

به حروف زیر، حروف مشبّه بالفعل گفته می‌شود:

۱. إِنَّ ۲. أُنَّ ۳. كَأَنَّ

۴. لَكِنَّ ۵. لَيْتَ ۶. لَعَلَّ

این حروف دارای معانی مختلفی هستند که در ابتدای جمله اسمیه آمده و در آن جمله تغییر ایجاد می‌کنند.

مثال اَلتَّائِدِينَ فِطْرِي فِي الْإِنْسَانِ. ﴿إِنَّ التَّائِدِينَ فِطْرِي فِي الْإِنْسَانِ.

دینداری در انسان فطری است. ﴿بی‌گمان دینداری در انسان فطری است.

همان‌طور که در مثال بالا مشاهده می‌کنید، جمله‌اول جمله‌ای اسمیه است

که از مبتدا (التَّائِدِينَ) و خبر (فِطْرِي) تشکیل شده است. امادر جمله دوم «إِنَّ»

در ابتدای جمله اسمیه آمده و در حرکت آخر کلمه «التَّائِدِينَ» تغییر ایجاد

کرده است. همچنین ترجمه آن نیز با تأکید «بی‌گمان» تغییر کرده است.

معنا و کاربرد هر یک از این حروف به شرح زیر است:

۱ إِنَّ

● به معنای «قطعاً، همانا، به درستی، که، بی‌گمان و ...» است و جمله

پس از خود را تأکید می‌کند و غالباً در اوّل جمله و بعد از «قَالَ»

و مشتقات آن می‌آید. اگر در جمله‌ای [به غیر از آیات و احادیث]

ترجمه نشود، اشکالی ندارد.

مثال ﴿... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾

بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

مثال ﴿... وَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾

و بی‌گمان خدا بر یاری آن‌ها تواناست.

مثال ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا...﴾

همانا (به درستی که) ما آن را قرآنی [به زبان] عربی قرار دادیم.

(در ابتدای جمله: إِنَّا = إِنَّ + نا)

فَنِّ تَرْجَمِه

فعل مضارع در جمله دارای «لَيْتَ / يَا لَيْتَ» و «لَعَلَّ» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می شود.

مثال يَا لَيْتَنِي أَذْهَبُ مَرَّةً أُخْرَى. ای کاش من بار دیگر بروم.

مثال لَعَلَّنِي أُسَافِرُ إِلَى مَدِينَةِ إِصْفَهَانَ غَدًا.

شاید من فردا به شهر اصفهان مسافرت کنم.

خلاصه مفاهیم حروف مشبّهه بالفعل:

الف) «إِنَّ» جمله پس از خود را تأکید می کند و به معنای «قطعاً،

بی شک، بی گمان و همانا...» است و معمولاً در اول جمله می آید.

ب) «أَنَّ» به معنای «که» است و دو جمله را به هم پیوند می دهد

که همان حرف ربط فارسی است و معمولاً در وسط جمله می آید.

ج) «كَأَنَّ» به معنای «مانند» برای تشبیه و «گوی» برای گمان و

تصوّر به کار می رود.

د) «لَکِنَّ» به معنای «ولی» و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن

ابهام جمله قبل از خودش است.

ه) «لَيْتَ» به معنای «کاش» و بیانگر آرزوست و به صورت «یا لیت»

هم به کار می رود. برای آرزویی که محال است و به دست آوردنش

سخت است.

و) «لَعَلَّ» به معنای «شاید»، «امید است» می باشد و در مورد امری

ممکن یا امید به تحقق امر ممکن به کار می رود.

نکته حرف آخر حروف مشبّهه بالفعل تشدید دارد (إِنَّ، أُنْ، لَکِنَّ،

لَعَلَّ) به جز «لَيْتَ» با حروف دیگر اشتباه نشود.

لا «ی» نفی جنس

● انواع «لا» و معنای آن ها در جمله به شرح زیر است:

۱ حرف جواب

● «لا» به معنای «نه» در پاسخ به «هَلْ»، «أَ» است:

مثال أأَنْتَ مِنْ تَبْرِيزٍ؟ لا، أَنَا مِنْ مازندران.

آیا تو از [اهل] تبریز هستی؟ نه، من از مازندران هستم.

۲ حرف نفی مضارع

● بر سر فعل مضارع می آید، به صورت مضارع اخباری منفی، ترجمه

می گردد و تغییری در آخر فعل ایجاد نمی کند.

مثال كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةُ لِأَنْدَرُكَ.

گویى خشنود ساختن همه مردم، هدفی است که به دست آورده نمی شود.

﴿... كَأَنَّهُمْ بُنِيَاءٌ مَرْصُوعٌ﴾ گویی آن ها، ساختمانی استوارند.

۴ لَکِنَّ

● به معنای «ولی» است و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن

ابهام جمله قبل از خودش به کار می رود.

مثال ﴿... إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَکِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا یَشْکُرُونَ﴾

بی گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، ولی بیشتر مردم سپاسگزاری

نمی کنند.

مثال ﴿فَهَذَا یَوْمٌ الْبَعْثِ وَلَکِنَّکُمْ کُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾

و این، روز رستاخیز است ولی شما نمی دانستید.

مثال حَضَرَ السَّيَّاحُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ؛ لَکِنَّ الدَّلِيلَ لَمْ یَحْضَرْ.

گردشگران در سالن فرودگاه حاضر شدند، ولی راهنما حاضر نشد.

۵ لَیْتَ

● به معنای «کاش» و بیانگر آرزوست و به صورت «یا لیت: ای

کاش» نیز به کار می رود.

توجه اگر «یاء متکلم» به «لَیْتَ» وصل شود، به صورت «لَیْتَنِي»

(همراه با «ن» و قایه) نوشته می شود.

مثال ﴿وَقَالَ الْكَافِرُ یَا لَیْتَنِي کُنْتُ ثَرَابًا﴾

و کافر می گوید: ای کاش من خاک بودم!

مثال قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ یَا لَیْتَ قَوْمِی یَعْلَمُونَ...

[به او] گفته شد: وارد بهشت شو؛ گفت: ای کاش قوم من بدانند.

مثال تَمَتَّى الْمَزَارِعُ: «لَیْتَ الْمَطَرُ یَنْزِلُ کَثِیرًا».

کشاورز آرزو کرد: «کاش باران بسیار ببارد.»

۶ لَعَلَّ

● به معنای «شاید» و «امید است» می باشد و در مورد امری ممکن

یا امید به تحقق امری، به کار می رود.

مثال ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِیًّا لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ﴾

بی گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم امید است شما خردورزی

کنید.

مثال ﴿لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ یُخْذِکُ بَغْدٍ ذَٰلِكَ أَمْرٌ﴾

نمی دانی، شاید خدا پس از آن، پیشامدی پدید آورد.

مثال یَكْتُبُ: می نویسد ← لَا یَكْتُبُ: نمی نویسد

مثال یَكْتُبُونَ: می نویسند ← لَا یَكْتُبُونَ: نمی نویسند

مثال ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ بی گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند.

۳ حرف نهی مضارع

۱- حرف نهی مضارع پیش از صیغه های مخاطب (دوم شخص):

● «لَا» بر سر فعل مضارع از صیغه های مخاطب (دوم شخص) می آید و به صورت نهی (امر منفی) ترجمه می شود و آخر فعل مضارع را تغییر می دهد («ضَمَّهُ» را به «سکون» و نون آخر فعل مضارع (به جز صیغه های جمع مؤنث) را حذف می کند.

مثال تَكْتُبُ: می نویسی ← لَا تَكْتُبُ: ننویس

مثال تَكْتُبُونَ: می نویسید ← لَا تَكْتُبُوا: ننویسید

۲- حرف نهی مضارع پیش از صیغه های غایب (سوم شخص) و متکلم (اول شخص):

● اگر «لَا» ی نهی بر سر شش صیغه غایب (سوم شخص) و دو صیغه متکلم (اول شخص) بیاید، معنای «نباید» می دهد و فعل مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود.

مثال یَكْتُبُ: می نویسد ← لَا یَكْتُبُ: نباید بنویسد (ننویسد)

مثال یَكْتُبُونَ: می نویسند ← لَا یَكْتُبُوا: نباید بنویسند

مثال تَكْتُبُ: می نویسیم ← لَا تَكْتُبُوا: نباید بنویسیم

یادداشت:

۴ حرف نفی جنس

● به معنای «هیچ ... نیست»، بدون فاصله بر سر اسم می آید و آن اسم «آل» یا «تَنوین» نمی گیرد، بلکه غالباً حرکت آخر فتحه (ـِ) است و به صورت «ی» نکره ترجمه می گردد.

● ساختار:

«لَا» ی نفی جنس = هیچ + اسم نکره + نیست

مثال لَا كَثْرَ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ.

هیچ گنجی بی نیازکننده تر از قناعت نیست.

مثال لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ.

هیچ فقری سخت تر از نادانی نیست.

مثال ﴿لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا﴾ جز آنچه به ما آموخته ای، هیچ

دانشی نداریم. (برای ما نیست).

تمرین های کتابی

التمرین الأول

أي كلمة من كلمات مفعم الدرس تناسب التوضيحات التالية؟ [کدام کلمه از کلمات واژه‌نامه درس مناسب توضیحات زیر است؟]

- ١ آله ذات يد من الحسب و سن عريضة من الحديد يقطع بها.
- ٢ تمثال من حجر أو حشب أو حديد يغبد من دون الله.
- ٣ عضو من أعضاء الجسم يقع أعلى الجذع.
- ٤ التارك للباطل و المتمايل إلى الدين الحق.
- ٥ إنهم بدؤوا يتكلمون بكلام خفي.

پاسخ ١ الفأس: تبر ٢ الصنم: بُت ٣ الكُتِف: شانه ٤ الخفيف: یکتاپرست ٥ بدؤوا يتكلمون: شروع به پیچ کردن کردند

التمرین الثاني

ترجم العبارات التالية، ثم عین الحرف المشبه بالفعل و لا التافیه للجنس. [عبارات زیر را ترجمه کن سپس حرف مشبه بالفعل و لای نفی جنس را مشخص کن.]

- ١ ﴿ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴾ (یس: ٢٦ و ٢٧)
[به او] گفته شد؛ وارد بهشت شو؛ گفت: ای کاش قوم من بدانند که پروردگارم [چگونه] مرا آمرزید و مرا از گرامی شدگان قرار داد.
- ٢ ﴿ ... لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ... ﴾ (التوبة: ٤٠) ناراحت نباش زیرا خدا با ماست.
- ٣ ﴿ ... لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ... ﴾ (الصفات: ٣٥) هیچ معبودی جز خدا نیست.
- ٤ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ. (رسول الله (ص)) کسی که هیچ [وفای به] عهده ندارد، هیچ دینی ندارد.
- ٥ إِنَّ مِنْ السَّنَةِ أَنْ يَخْرُجَ الرَّجُلُ مَعَ صَافِيهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ. (رسول الله (ص)) از سنت [پیامبر] است که شخص همراه مهمانش تا در خانه برود.

پاسخ ١ لَيْتَ: حرف مشبه بالفعل ٢ إِنَّ: حرف مشبه بالفعل ٣ لَا: حرف مشبه بالفعل ٤ لَا: لای نفی جنس ٥ إِنَّ: حرف

مشبه بالفعل

التمرین الثالث

الف) اقرأ الشعر المنسوب إلى الإمام علي (ع)، ثم عین ترجمه الكلمات التي تحتها خط. [شعر منسوب (نسبت داده شده) به امام علی (ع) را بخوان سپس ترجمه کلماتی را که زیرشان خط است، مشخص کن.]

أَيُّهَا الْفَاجِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ	إِنَّمَا التَّاسُ لَأُمٍّ وَ لِأَبٍ
به دودمان	از یک پدر
هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِطْرَةٍ	أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ
آنان را می‌بینی (می‌پنداری)	مس

نمونه سوالات نهایی درس اول

ردیف	واژه‌شناسی
الف	تَرْجِمَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:
۱-	لَا كُنْتُ أَغْنِي مِنَ الْقَنَاعَةِ. دی ۱۴۰۳
۲-	عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ الصَّنَمِ. شهریور ۱۴۰۳
۳-	أَخْضَرَ الْقَوْمَ إِبْرَاهِيمَ (ع). خرداد ۱۴۰۳
۴-	الْأُمُّ كَانَتْ تَحْمِي طَائِرًا مَجْرُوحًا. دی ۱۴۰۲
۵-	إِلَهِي! اجْعَلِ التَّوْفِيقَ حَظِّي فِي الْحَيَاةِ. شهریور ۱۴۰۲
۶-	الْتِمَاسِيْلُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ. خرداد خارج ۱۴۰۲
۷-	الْكِتَابَاتُ وَ النَّقُوشُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ. دی خارج ۱۴۰۱
۸-	قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ عَنْ صِرَاعِ الْأَنْبِيَاءِ مَعَ الْكَافِرِينَ. دی ۱۴۰۱
۹-	﴿ اِقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ﴾ خرداد خارج ۱۴۰۰
۱۰-	﴿ ... كَانَهُمْ بَنِيَاءُ مَرْصُوصَ ﴾ خرداد خارج ۱۴۰۱
۱۱-	عِبَادَاتُهُ وَ شَعَائِرُهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً. خرداد و دی ۱۴۰۰ - شهریور ۹۸ - شهریور خارج ۹۸
۱۲-	﴿ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَ انصُرُوا آلِهَتَكُمْ ﴾ دی خارج ۱۴۰۰ - خرداد خارج ۱۴۰۰
۱۳-	إِنَّ الْعَصَبَ مُفْسِدَةٌ. خرداد ۹۹
۱۴-	عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ. خرداد خارج ۹۹
۱۵-	كَسَرَ إِبْرَاهِيمَ (ع) جَمِيعَ الْأَصْنَامِ. شهریور ۹۹
۱۶-	أَمَلًا الصَّدْرُ انْشِرَاحًا. دی خارج ۹۹ - دی خارج ۹۸
۱۷-	أَتَقَدَّ إِبْرَاهِيمَ (ع) قَوْمُهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. دی خارج ۱۴۰۰ - خرداد ۹۸
۱۸-	لَا يَتْرُكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ سُدىً. خرداد خارج ۹۸
۱۹-	أَتَقَدَّ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ (ع) مِنَ التَّارِ. دی ۹۸
۲۰-	عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِهِ. دی ۹۷
۲۱-	قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ عَنْ سِيَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ. شهریور ۱۴۰۰

ب عَيْنِ الْمُضَادَّةِ وَ الْمُتَرَادِفِ:

ب

- ۲۲- أَنَا وَاثِقٌ فِي حَيَاتِي بِأَنَّ السَّلَامَ لَا يُسَبِّبُ الْعَدَاوَةَ بَيْنَ النَّاسِ.
الصَّرَاعُ ≠
- ۲۳- الْكَتِفُ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجِدْعِ.
أَسْفَلُ ≠
- ۲۴- الظُّهُورُ - الْحَنِيفُ - النَّزَاعُ - الْمُتَوَرُّ - الْمُوَحَّدُ - السَّلْمُ (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)
الف) (..... =)
ب) (..... ≠)
- ۲۵- نَصْرٌ - السَّلْمُ - أَعَانٌ - الصَّرَاعُ - مَفْسَدَةٌ (كَلِمَةٌ زَائِدَةٌ)
الف) (..... =)
ب) (..... ≠)
- ۲۶- الْخَيْرُ - الْغَضَبُ - الشَّرُّ - الْخَبِيثُ - الْمَفْسَدَةُ - الصَّدِيقُ (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)
الف) (..... =)
ب) (..... ≠)
- ۲۷- الصَّرَاعُ - الدَّارُ - الْفَلَّاحُ - الْمَزَارِعُ - السَّلْمُ - الْمَزَارِعُ (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)
الف) (..... =)
ب) (..... ≠)

ج عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي الْمَعْنَى:

ج

- ۲۸- (۱) اللُّحُومُ (۲) الْعِظَامُ (۳) الْأَعْيُنُ (۴) الْخُطُوطُ خرداد ۱۴۰۳
- ۲۹- (۱) الرِّجْلُ (۲) الْإِمْرَأَةُ (۳) الرَّأْسُ (۴) الْكَتِفُ دی ۱۴۰۲
- ۳۰- (۱) الْأَخْيَدُ (۲) النَّحَاسُ (۳) الرَّجَاجُ (۴) الذَّهَبُ خرداد خارج ۱۴۰۲
- ۳۱- (۱) النَّقُوشُ (۲) الرُّسُومُ (۳) الْكِتَابَاتُ (۴) الْأَقْوَامُ آذر ۱۴۰۱ - شهریور ۱۴۰۰
- ۳۲- (۱) الْفِصَّةُ (۲) الطَّيْنَةُ (۳) الذَّهَبُ (۴) النَّحَاسُ آذر ۱۴۰۱ - دی ۱۴۰۰
- ۳۳- (۱) الْفِصَّةُ (۲) النَّحَاسُ (۳) الذَّهَبُ (۴) الصَّيْفُ خرداد خارج ۹۹

د اَكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَاتِ:

د

- ۳۴- جَمْعُ كَلِمَةِ «الْأَنْشُودَةُ»: دی ۱۴۰۳
- ۳۵- جَمْعُ كَلِمَةِ «الْفَرِيسَةُ»: مرداد ۱۴۰۳
- ۳۶- الْفَقِيرُ «جمع»: خرداد ۱۴۰۰
- ۳۷- الصَّنَمُ «جمع»: خرداد ۱۴۰۱
- ۳۸- خُدُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كَوْنُوا نَقَادَ الْكَلَامِ. خرداد خارج ۱۴۰۰
- ۳۹- كَسَّرَ إِبْرَاهِيمُ (ع) جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبِدِ. دی خارج ۹۹
- ۴۰- عَلَّقَ الْفَأْسُ عَلَى كَتِفِ الصَّنَمِ. آذر ۱۴۰۱ - دی ۹۸
- ۴۱- عَلَّقَ الْفَأْسُ عَلَى كَتِفِهِ. دی خارج ۱۴۰۰
- ۴۲- حَمَلَ النَّاسُ الْقَرَابِينَ عَلَى كَتِفِهِمْ لِيُقَدِّمُوا إِلَى الْآلِهَةِ. خرداد خارج ۱۴۰۲

۵- انتخابِ الجوابِ الصَّحیح:

۴۳- جمع «العظم»:	(۱) العظام	(۲) العظماء	(۳) الأعظم	خرداد ۹۹ - آذر ۱۴۰۱
۴۴- مفرد «العصور»:	(۱) العصر	(۲) العصرة	(۳) العصور	شهریور ۹۹
۹- انتخابِ الكلمة المناسبة للتوضیحات التالية:				
۴۵- شَخْصٌ لَا يَقُومُ بِأَدَاءِ وَاجِبَاتِهِ.	(۱) الخفيف	(۲) المصلح	(۳) الكسول	خرداد ۱۴۰۳
۴۶- يَكُونُ بِلا فائدة.	(۱) الخط	(۲) الداء	(۳) الصحة	دی ۱۴۰۲
۴۷- تَمَثَّلُ مِنَ الْحَجَرِ أَوْ الْخَشَبِ أَوْ الْحَدِيدِ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ.	(۱) الفأس	(۲) الضنم	(۳) التجنب	خرداد ۹۹

ترجمه

ز- ترجم الآيات و العبارات إلى الفارسية:

ترجمه‌های مربوط به عبارات «متن درس»

۴۸- كَانَ الْإِنْسَانُ يَعْرِفُ الْحَضَارَاتِ مِنْ خِلَالِ الْكِتَابَاتِ وَ التَّقْوِشِ.	شهریور ۱۴۰۳
۴۹- لَا حَضَارَةَ إِلَّا وَ فِيهَا شَعَائِرُ دِينِيَّةٌ.	خرداد ۱۴۰۳
۵۰- عِنْدَمَا يَرْجِعُ النَّاسُ يُشَاهِدُونَ أَصْنَامَهُمُ الْمَكْسَرَةَ.	دی ۱۴۰۲
۵۱- لَمَّا شَاهَدَ النَّاسُ أَصْنَامَهُمُ الْمَكْسَرَةَ، أَخْصَرُوا إِبْرَاهِيمَ (ع) لِلْمُحَاكَمَةِ.	شهریور ۱۴۰۲
۵۲- قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ (ع) وَ صِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ.	خرداد ۱۴۰۲ - دی ۱۴۰۰ - شهریور ۹۹
۵۳- الْكِتَابَاتُ وَ التَّقْوِشُ تُدَلُّ عَلَى أَنَّ الدِّينَ فُطِرِيٌّ فِي وُجُودِ الْإِنْسَانِ.	دی ۱۴۰۱
۵۴- ﴿وَ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾	دی خارج ۱۴۰۰ - خرداد ۱۴۰۰
۵۵- ﴿... أَ أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ﴾	خرداد و دی ۱۴۰۰
۵۶- ﴿قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾	دی خارج ۱۴۰۰ - خرداد ۱۴۰۰ - شهریور ۹۹ - دی ۹۷
۵۷- لَا شَعْبٌ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.	دی خارج ۱۴۰۰ - خرداد ۱۴۰۰
۵۸- كَانَ تَقْدِيمُ الْقَرَابِينِ لِلْأَصْنَامِ لِتَجَنُّبِ شَرِّهَا.	دی خارج ۱۴۰۰ - خرداد خارج ۱۴۰۰
۵۹- ﴿أَ يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتْرَكَ سُدًى﴾	دی خارج ۱۴۰۰ - شهریور ۱۴۰۰ - خرداد و شهریور ۹۹
۶۰- الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِاللِّدِينِ.	شهریور ۱۴۰۰
۶۱- فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ إِبْرَاهِيمُ (ع) وَحِيدًا.	دی خارج ۱۴۰۰ - شهریور ۱۴۰۰
۶۲- إِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ.	آذر ۱۴۰۱ - دی ۱۴۰۰